

توسعه فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات و تحدید قدرت‌های حکومت در ایران (۱۴۰۳ - ۱۳۸۰)

محمد امین خواجه‌حسینی^۱

محمد مهدی مجاهدی^۲ (نویسنده مسئول)

هادی خانیکی^۳

چکیده

امروزه در نتیجه انقلاب تکنولوژی اطلاعات، و توسعه شبکه جهانی اینترنت، ساختار شبکه‌ای در تمام حوزه‌ها نفوذ کرده، تمام سیاره را در بر گرفته و همه‌ی جوامع را با شدت‌های متفاوت تحت تأثیر منطق فراگیر خود، قرار داده‌است. شبکه جهانی اینترنت فضای جدیدی را در بستر خود در قالب وب ۱، وب ۲ و ... برای شکوفایی جامعه‌ی مدنی و توسعه‌ی سیاسی، گشوده‌است، محدوده فعالیت‌های سیاسی شهروندان را گسترش داده، پیوندی ناگسستنی با رفتارهای سیاسی افراد برقرار کرده و به گونه‌ای پیچیده ماهیت سیاست و توسعه سیاسی را تغییر داده‌است، حال این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که نقش توسعه‌ی فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ در تحدید قدرت‌های حکومت در ایران، چه بوده‌است؟ روش این پژوهش کیفی از نوع داده‌بنیاد (گرنند تئوری) است، منطق اندیشیدن در آن استقرایی و از جز به کل و سرشت داده‌ها در آن، متنی است. در این پژوهش جامعه و نمونه هدف، هدفمند و نظری انتخاب شده‌است. نوع تحلیل اکتشافی و سطح تحلیل در این پژوهش از نوع کیفی و به صورت ترکیبی از روش‌های توصیفی، تبیینی و تفسیری است یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند در نتیجه این تحول بنیادین و از منظر نهادگرایی جدید، ساز و کارهای نهاد دموکراسی در تحدید قدرت‌های حکومت که متشکل از چهار مؤلفه‌ی «پاسخگو کردن»، «شفاف‌سازی»، «نظارت بر رفتار حکومت»، و «افشاگری» است، با هدف قرار دادن شاخص حاکمیت قانون در حوزه عملکرد حکومت که متشکل از زیر شاخص‌های: اجرای مقررات؛ برقراری نظم و امنیت؛ رفاه در ابعاد گوناگون؛ عدالت مدنی؛ عدالت کیفری؛ دولت باز؛ و عدم فساد؛ است، در بستر فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات به ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی به طور چشمگیری تقویت شده‌اند.

کلید واژه‌ها

فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، توسعه سیاسی، تحدید قدرت‌های حکومت، قدرت جامعه، شبکه‌های اجتماعی مجازی، حاکمیت قانون.

^۱ دانشجوی دوره دکتری رشته علوم سیاسی- جامعه‌شناسی سیاسی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران. ma.khajehhasani@srbiau.ac.ir

^۲ استادیار گروه پژوهشی مطالعات بین رشته‌ای، پژوهشکده دانشنامه‌نگاری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

m.mojahedi@ihcs.ac.ir

^۳ استاد گروه آموزشی ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران khaniki@atu.ac.ir

Development of new information and communication technologies and limitation of government powers in Iran (1380-1403)

¹Mohammad Amin Khajeh Hassani

²Mohammad Mahdi Mojahedi (Corresponding Author)

³Hadi Khaniki

Abstract

Today, as a result of the information technology revolution and the development of the global Internet, the network structure has penetrated all areas, covering the entire planet and affecting all societies with varying degrees of intensity under its pervasive logic. The global Internet has opened up a new space in its context in the form of Web 1, Web 2, etc. for the flourishing of civil society and political development, expanded the scope of citizens' political activities, established an inextricable link with individuals' political behaviors, and changed the nature of politics and political development in a complex way. There are numerous statistics on the level of access of people to the Internet in the world, none of which differ significantly from each other, and all of which indicate a significant increase in the level of people's access to the Internet. Among them, the "Information and Communication Technology Development Index" is a tool for measuring the level of development of communication infrastructure and services in a country, which is measured based on a set of sub-indicators in the two main pillars of "universal connectivity" and "meaningful connectivity". In this study, these indicators have been studied and examined in accordance with the latest report of the International Telecommunication Union in 2024 as follows. After the inauguration of the new methodology in measuring the "ICT Development Index" 2023, the "ICT Development Index" 2024 showed definitive and stable results in overall scores and their distribution across regions and income groups. The global average score of 74.8 on a scale of 0 to 100 indicates significant progress towards inclusive and quality connectivity. However, many economies are still in the early stages of digital development, with scores reaching 21.3. Connectivity continues to be linked to development and highlights the deep gap between rich and poor countries; but significant variations within regions refute any notion of regional determinism. Iran also scored 82.2 in this index, which has increased by two percent compared to 2023. This research seeks to answer the question of what role the development of new information and communication technologies has played in limiting the powers of the government in Iran from 2001 to 2024. The method of this research is qualitative, based on the grounded theory. The logic of thinking in it is inductive, from part to whole, and the nature of the data in it is textual. In this research, the target population and sample are selected purposefully and theoretically. The type of exploratory analysis and the level of analysis in this research are qualitative and a combination of descriptive, explanatory, and interpretive methods. After collection, the data were loaded into MaxQDA software and subjected to qualitative analysis. The research findings show that from the perspective of new institutionalism and as a result of this fundamental transformation, the mechanisms of the democratic institution in limiting the powers of the government, which consist of four components: "accountability", "transparency", "monitoring government behavior", and "disclosure", have been significantly strengthened in the context of new information and communication technologies, especially virtual social networks, by targeting the rule of law indicator in the field of government performance, which consists of sub-indicators:

¹ PhD student in Political Science-Political Sociology, Department of Political Science and International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

² Assistant Professor, Interdisciplinary Studies Research Group, Encyclopedia Research Institute, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

³ Full Professor, Department of Communication, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran

implementation of regulations, establishment of order and security, welfare in various dimensions, civil justice, criminal justice, open government, and lack of corruption.

Keywords

New information and communication technologies, political development, limiting government powers, community power, virtual social networks

مقدمه

این پژوهش به نقش توسعه‌ی فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ در تحدید قدرت‌های حکومت در ایران، پرداخته است. تحدید قدرت‌های حکومت یکی از پایه‌های نظری و عملی نهادگرایی جدید است به این معنا که در فرآیند توسعه سیاسی، قدرت جامعه و حکومت باید هم‌گام و هم‌زمان افزایش پیدا کند و این جامعه هست که ظرفیت و قدرت حوزه عمل حکومت را افزایش می‌دهد و بر آن نظارت می‌کند و به اصطلاح آن را در ابعاد مختلف تحدید می‌کند. امروزه فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات این موضوع را آسان و ارزان کرده و ابزارهای مناسبی را برای کنترل، سنجش و پایش مؤلفه‌های حاکمیت قانون و تحدید قدرت‌های حکومت در اختیار جامعه قرار داده است.

هدف آرمانی این مطالعه توسعه‌ی فهم جدیدی از کارکردهای نظام سیاسی و فهم اقدامات جمعی در قرن بیست و یک، جایی که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی جایگزین ارتباطات چهره به چهره شده و مرزهای زمان و مکان را در نورددیده‌اند و هدف اصلی پژوهش یافتن نقش توسعه‌ی فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ در تحدید قدرت‌های حکومت در ایران است.

دانشمندان علوم ارتباطات و علوم سیاسی بر این باورند که دوره جاری یک زمان منحصر به فرد برای درک آشفتگی سیاست در دوران معاصر است؛ زیرا ما از جهان تحت سلطه کاغذ، رسانه‌های تلویزیونی و ارتباطات چهره به چهره به جهانی که در آن اینترنت یک رسانه تعاملی است که همه جا حضور دارد و ارتباطات و همکاری‌ها از طریق آن شکل می‌گیرد، گذار کرده‌ایم. این دوره‌ی گذار، دو دهه‌ی ابتدایی قرن بیست و یکم است، که ما به صورت مستقیم واکنش‌ها را به تغییرات در رفتارهای سیاسی مشاهده می‌کنیم و به همین خاطر بهترین فرصت برای فهم ساز و کار دنیای جدید سیاست، برای ما فراهم است. یکی از این فرصت‌ها، شناخت دقیق و عمیق رفتارها و کنش‌های سیاسی در این دوران و نیز واکاوی عوامل مؤثر بر آنها در این فضای جدید است. اکنون ضریب نفوذ اینترنت پهن باند در ایران به بیش از ۱۲۷,۲۰ درصد افزایش پیدا کرده است. تحدید قدرت‌های حکومت در ایران در همین مقطع، در قالب مؤلفه‌های قدرت جامعه و معطوف به توسعه سیاسی اینترنت پایه، مسئله‌ی جدیدی است که شایسته پژوهش و مطالعه است.

روش شناسی پژوهش :

پارادایم این پژوهش تفسیری، از نوع داده‌بنیاد (گرنند تئوری) و منطق اندیشیدن در آن استقرایی و از جز به کل است و نیز سرشت داده‌ها در آن، متنی و سرشت مشاهده، طبیعی است و با فرآیند روی دادن یک امر و موجبات و آثار آن سر و کار دارد. کار عمده پژوهشی توصیف، تفهم و اکتشاف است. محقق در پایان، به نظریه می‌رسد و قصد ساختن نظریه دارد. در این پژوهش جامعه و نمونه هدف، هدفمند و نظری است. خبرگان اندیشمندی از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور که صاحب نظر و دارای تجربه زیسته در این زمینه بودند برای این مهم انتخاب شدند. در اینجا چارچوب نمونه با دو معیار محک می‌خورد: ورودی (اشباع داده‌ها) و خروجی (اشباع نظری). معیار ورودی این است که چه کسانی حامل انواع تجربه‌های مرتبط با موضوع و مسئله و پرسش‌های تحقیق ما هستند. معیار خروجی نیز اشباع نظری است. بیشتر داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق اکتشافی گردآوری شده‌اند. یعنی با نمونه‌های دیگری و بیشتری مصاحبه بکنیم تا نقطه‌ای که به سطح اکتشاف برسیم. بنابراین بعد از انجام مصاحبه عمیق با هجده نفر از خبرگان اشباع نظری حاصل شد. نوع تحلیل، اکتشافی و سطح تحلیل، از نوع تفسیری و بازگشوده تا جهان سوم معرفت است. سطح تبیین معطوف به توصیف یک فرآیند است (چه و چگونه). ژرفانگر و درصد

فهم موقعیت‌های خاص و رویدادهای خاص است: توصیف عمیق یک موقعیت خاص. ما می‌خواهیم سرشت مبهم مسئله‌ها را توضیح سیستماتیک بدهیم: خصیصه اکتشافی و تفهیمی دارد. رفتار ما با داده‌ها از نوع پس‌کاو (قیاس محتمل) و استفهام (قیاس محتمل قوی) خواهد بود: حرکت از داده‌ها به عمق آنها، غور کردن در تجربه‌های زیسته و اندیشیده خبرگان پژوهش که در اعماق معانی و تعابیر و داده‌ها هستند. بنابراین تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش از نوع کیفی بوده و به صورت ترکیبی از روش‌های توصیفی، تبیینی و تفسیری استفاده شده‌است و با کمک نرم‌افزار تخصصی مکس کیو دی ای انجام شده‌است.

۱. پیشینه تحقیق

۱.۱. مارگتس و همکاران (۱۹۶۱):

هلن مارگتس، استاد جامعه و اینترنت در دانشگاه آکسفورد و مدیر مؤسسه چند رشته‌ای اینترنت، در کتاب آشفتگی سیاسی، به بررسی رفتارهای دیجیتالی افراد در فضای مجازی و فعالیت‌های سیاسی آن‌ها در میان «کلان‌داده‌ها» می‌پردازد و مجموعه‌ای از آزمایش‌ها را توصیف می‌کند که در آن نحوه استفاده گسترده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی برای تغییر جامعه، سیاست و اقتصاد در تمام دنیا مورد بررسی قرار گرفته‌است. او می‌خواهد بفهمد واکنش‌های زنجیره‌ای ناشی از «اقدامات کوچک، مانند توثیق کردن، ریتوثیق کردن، امضا کردن دادخواست‌های آنلاین، لایک کردن و به اشتراک گذاشتن، پست کردن یک عکس از کودک غرق شده در ساحل ترکیه، چرا و چگونه باعث ایجاد موج مردمی برای اقدامات جمعی در سطح محلی، ملی و جهان می‌شود و چرا بیشتر این اقدامات شکست می‌خورد.

۱.۲. بیمبر، لویپا و سین:

بیمبر، لویپا و سین منطق مشارکت را در سایه‌ی استفاده گسترده از اینترنت بازنگری کردند و استدلال کردند که اینترنت بر فرصت‌ها و انگیزه‌هایی که با عمل جمعی ارتباط داشته باشد تاثیر گذاشته‌است و برخی از تلاش‌های جمعی را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می‌کند.

۱.۳. یوچای بنکلی:

کتاب پروفیسور یوچای بنکلی با عنوان دارایی شبکه‌ها، یک نوآوری فکری بود که تمام نسل محققان اینترنت را تحت تاثیر قرار داد. کتاب او برای اولین بار نشان داد که پلتفرم‌های اینترنتی چگونه به افراد اجازه می‌دهند تا محتوا تولید کنند، همکاری کنند و در تمام حوزه‌ها ارزش جدید ایجاد کنند و چگونه به توانمندسازی شهروندان با تاثیر بالقوه بر اقتصاد و جامعه منجر می‌شود.

۱.۴. شیرکی:

کتاب شیرکی با عنوان «اینجا همه می‌آیند» نیز انگیزه قدرتمندی برای این ایده بود که در محیط آنلاین مردم می‌توانند «بدون سازمان، سازماندهی کنند»، اگرچه تمرکز کتاب بیشتر بر روی شبکه‌ها، گروه‌ها و آنچه او «شبه سازمان‌ها» می‌داندست بود تا بر فرآیند تصمیم‌گیری افراد که ما در اینجا با آن مواجه هستیم، و همچنین کتاب بر ملغمه‌ای از داستان‌های افراد و نظریات اقتصادی مبتنی شده است تا شواهد تجربی یا تحقیقات.

۱.۵. چادویک:

پژوهش چادویک با عنوان «سیاست‌های اینترنت: دولت‌ها، شهروندان و فناوری‌های ارتباطی جدید» با داشتن فصل «گروه‌های اینترنتی و جنبش‌های اجتماعی» که منابع عمل جمعی را مرور می‌کند به شدت برای مطالعه فعالیت‌های سیاسی مبتنی بر اینترنت مفید است. پژوهش اخیر چادویک یعنی «سیستم رسانه هیبریدی: سیاست‌ها و قدرت» اصطلاحی را که او چرخه اطلاعات سیاسی می‌نامد با بررسی آرای انتخاباتی ایالات متحده و هنجارهای عملیاتی برای یک سازمان سیاسی یا تجمع و تاثیر پدیده خبرگزاری‌هایی نظیر ویکی‌لیکس ارزیابی می‌کند.

۱.۶. لانس بنت (۲۰۱۳):

پژوهش دیگری که مرتبط است کار لانس بنت است که در کتابش در سال ۲۰۱۳ همراه با سگریگ به اوج رسید، و عنوان آن «منطق اقدام مشترک: رسانه‌های دیجیتال و شخصی‌سازی سیاست‌های مخالف» است که در مقاله‌های اولیه‌اش نیز آمده‌بود. در کار اخیر او، بنت بر روی جنبش اشغال وال‌استریت و محدوده‌ای تمرکز داشت که این جنبش بدون سازمان‌های رسمی و بلکه با شبکه‌های خودسامان یافته‌ای از افراد با پلتفرم‌های رسانه‌های دیجیتال به عنوان عوامل سازمان، در هسته خود توسعه داده است. این کار پژوهش کیفی ارزشمندی را در مورد اینکه چرا جنبش‌هایی نظیر جنبش اشغال وال‌استریت در

کسب حمایت توده و امکان رشد و حفظ آن‌ها در یک بازه زمانی مهم، موفق بوده است به ما می‌دهد. با این حال، مشابه با کار بیمبر و همکاران و بیشتر پژوهش‌ها در این رشته مطالعاتی جدید، کار بنت بیشتر بر روی تجمعات موفق تمرکز داشته است تا بر روی اصل پدیده تجمعات مبتنی بر اینترنت. در نتیجه این پژوهش نمی‌تواند مشخص کند که برخلاف اکثر تجمعاتی که شکست می‌خورند، چه چیزی باعث می‌شود برخی از تجمعات موفق شوند (مارگتس و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۹-۵۷).

۱.۷. پتیت:

پتیت (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «شبکه‌های جنبش اینترنت در گفتمان اینترنت» به بررسی اهمیت توجه به نقش اینترنت در بسیج توده‌ای مردم پرداخته است و دلیل این اهمیت را امکان انتشار گسترده و سریع اطلاعات می‌داند. وی اینترنت و فضای مجازی را یکی از بسترهای شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی در عصر کنونی می‌داند. به نظر پتیت شکل‌گیری جنبش‌های آنلاین و شکل‌های نوین اعتراض اینترنتی و کنشگری در محیط الکترونیکی و اجتماع مجازی از پدیده‌های جدید قابل مطالعه در علوم اجتماعی هستند که تحت تأثیر افزایش شمار کاربران فضای مجازی به وجود آمده است.

۱.۸. دانیل لرنر

لرنر در اثر کلاسیک خود، با عنوان گذر جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه (۱۹۵۸) که حاصل مطالعه در شش کشور در حال توسعه (ایران، ترکیه، لبنان، مصر، سوریه و اردن) است، استدلال می‌کند که مطالعه مشارکت و توسعه در هر جامعه‌ای مستلزم عواملی از جمله سواد، شهرنشینی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی است. وی با تأکید بر نقش ارتباطات، آن را زمینه ساز بسیج می‌داند و معتقد است که ارتباطات، مشارکت و توسعه سیاسی را سامان می‌بخشد. در نهایت، لرنر به این نتیجه می‌رسد که میان وجود و استفاده از وسایل ارتباط جمعی با مشارکت سیاسی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد (پناهی و عالی زاد، ۱۳۸۴: ۹۶).

۱.۹. سریرنی و خیابانی

سریرنی و خیابانی (۲۰۱۰) در کتابی با عنوان «بلاگستان: اینترنت و سیاست در ایران» به ارتباط بین رسانه‌ها، دولت و نقش دولت در تأثیرگذاری بر رسانه‌ها پرداخته‌اند. اینان نگرش تاریخی به رابطه رسانه و دولت تا آغاز عمومیت یافتن استفاده از اینترنت در ایران دارند و آن را مبنای تحلیل خود می‌دانند. نویسندگان به این پرسش اساسی می‌پردازند که آیا عمومیت یافتن اینترنت، فرهنگ جدیدی از فعالیت سیاسی را به وجود آورده است؟ آنها تلاش می‌کنند تا فهم جدیدی از وضعیت سیاست در فضای سایبر ارائه کنند و اینکه این ابزار چگونه بر روی فضای سیاسی. اجتماعی کشور تأثیر گذاشته است.

۱.۱۰. جعفری و روحانی

جعفری و روحانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش اینترنت در توسعه‌ی سیاسی» به بررسی جایگاه اینترنت و ارتباطات رایانه‌ای در تحقق دستیابی به توسعه‌ی سیاسی پرداخته‌اند.

۱.۱۱. قلی‌پور

قلی‌پور (۱۴۰۲) در کتابی با عنوان «اینترنت و رفتار سیاسی در ایران» به بررسی تأثیرات اینترنت و ساختار رسانه‌ای جدید برآمده از آن، بر جنبه‌های مختلف رفتار سیاسی ایرانیان، و همچنین طرح برخی از فرضیه‌ها و یافته‌های جهانی در خصوص تأثیرات اینترنت بر رفتار سیاسی و تلاش برای ارزیابی آنها در شرایط خاص ایران پرداخته است. از دیدگاه وی فضای مجازی به مثابه‌ی یک حوزه عمومی جدید، با جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خاص زمینه‌ی خود، تعامل می‌کند و پیامدها، معانی و تأثیرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن نیز از مکانی به مکان دیگر، بر اساس تجربیات، نداشته‌ها، نیازها و آرزوهای مردم، رویکرد حکومت به آن و ساختار کلان سیاسی. اجتماعی حاکم بر جامعه، تفاوت می‌کند. در عین حال، از نگاه وی چون اینترنت پدیده‌ای جهان‌شمول است و ساختار تکنولوژیک ثابتی در سراسر جهان دارد، هرچند در ساختار رسانه‌ای و اجتماعی هر جامعه به نحوی خاص جای‌گیر می‌شود و در نهایت آن ساختار را به شکلی خاص پیکربندی می‌کند، اما چیزی را بر جامعه تحمیل نمی‌کند، بلکه جامعه را به نحوی پیچیده، در پیچ و خم خود بازتاب می‌دهد و در تعاملی دوسویه، از آن تأثیر می‌پذیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد. اینترنت نه به سادگی ابزار دست جامعه است و نه به مثابه‌ی فناوری تعیین‌کننده سرنوشت جامعه را تغییر می‌دهد.

اما آنچه این پژوهش را از سایر مطالعات انجام شده به ویژه تحقیق‌های بیان شده متمایز می‌سازد جغرافیا، مقطع، روش و مفهوم توسعه سیاسی است. این پژوهش ضمن اینکه تأثیر فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات را در توسعه سیاسی به طور

کلی و عام تأیید می‌کند به بررسی توسعه سیاسی از نگاه نهادگرایی جدید در ایران در دو دهه‌ی اخیر و با روش داده‌بنیاد پرداخته- است که جدید است.

۲. مبانی مفهومی و نظری

۲.۱. جامعه‌ی شبکه‌ای

۲.۱.۱. مانوئل کاستلز:

نظریه‌ی جامعه‌ی شبکه‌ای و پارادایم نوین تکنولوژی اطلاعات بنیان فکری و نظری کاستلز را شکل می‌دهد. اولین ویژگی پارادایم جدید این است که اطلاعات ماده خام آن است: این‌ها تکنولوژی‌هایی هستند که روی اطلاعات عمل می‌کنند، بر خلاف انقلاب‌های تکنولوژیک پیشین که در آنها تنها اطلاعات بر روی تکنولوژی عمل می‌کرد. دومین ویژگی اشاره دارد به فراگیر بودن تأثیرات تکنولوژی‌های جدید. از آنجا که اطلاعات بخش لاینفک تمامی فعالیت‌های بشری است، همه فرایندهای حیات فردی و جمعی ما مستقیماً توسط رسانه‌ی تکنولوژی جدید شکل داده می‌شوند (گرچه یقیناً توسط آن تعیین نمی‌شوند) (کاستلز، ۱۳۸۵: ۹۲).

بررسی ساختارهای اجتماعی نوظهور در حوزه‌های مختلف فعالیت و تجربه‌ی انسانی، ما را به نتیجه‌ای فراگیر رهنمون می‌سازد: به عنوان روندی تاریخی، کارکردها و فرایندهای مسلط در عصر اطلاعات، هر روز بیش از پیش پیرامون شبکه‌ها، سازمان می‌یابند. شبکه‌ها ریخت اجتماعی جدید جوامع ما را تشکیل می‌دهند، و گسترش منطق شبکه‌ای تغییرات چشم‌گیری در عملیات و نتایج فرایندهای تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ ایجاد می‌کند. در حالی که شکل شبکه‌ای سازمان اجتماعی در دیگر زمان‌ها و مکان‌ها نیز وجود داشته‌است، پارادایم نوین تکنولوژی اطلاعات، بنیان مادی گسترش فراگیر آن را در سرتاسر ساختار اجتماعی فراهم می‌آورد. علاوه بر این، به نظر کاستلز این منطق شبکه‌ای، عزمی اجتماعی ایجاد می‌کند که مرتبه‌ی آن از سطح منافع اجتماعی به خصوصی که از طریق شبکه بیان شده‌اند فراتر است: قدرت جریان‌ها از جریان‌های قدرت پیشی می‌گیرد. غیبت یا حضور در شبکه و پویایی هر شبکه در برابر دیگر شبکه‌ها، منابع حیاتی سلطه و تغییر در جامعه‌ی ما هستند: جامعه‌ای که به این ترتیب می‌توان آن را به درستی جامعه‌ی شبکه‌ای نامید که ویژگی آن برتری ریخت اجتماعی بر کنش اجتماعی است (کاستلز ۱۳۸۲: ۵۴۳).

۲.۱.۲. جان ون دایک:

در جامعه‌ی شبکه‌ای، روابط میان شهروندان و قدرت متمرکز، در رقابت با ارتباطات بی‌شماری قرار دارد که هر فرد می‌تواند جدای از این مرکز ایجاد کند. سیاست دیگر سازمان‌دهنده پایه‌ای و محوری زندگی مردم نخواهد بود و به مفهومی حاشیه‌ای تبدیل خواهد شد. سیاست جامعه شبکه‌ای، در ساختارهای شبکه‌ای سازمان می‌یابد. تمامی روابط میان کنشگران مختلف نظام سیاسی (اعم از حکومت، مدیران ملی و محلی، احزاب سیاسی و سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان‌های بین‌المللی، مراجع حقوقی، شرکت‌ها و شهروندان) را می‌توان، هم به عنوان روابط سیاسی (قدرت) تفسیر کرد و هم به عنوان روابط اطلاعات و ارتباطات. شبکه‌های رسانه‌ای و ارتباطی و کاربرد آنها به این روابط شکل و سازمان می‌دهد و باعث می‌شود در هر شرایط، برخی از روابط و کنشگران، اهمیت و قدرت بیشتری پیدا کنند و برخی دیگر به حاشیه رانده شده و اهمیت و قدرت کمتری داشته باشند (ون دایک، ۲۰۱۲: ۲۳۴).

۲.۱.۳. ولمن

ولمن (۱۹۹۸) برای خود در زمینه‌ی نظریه‌ی شبکه‌ی اجتماعی، پیش فرض‌هایی را پیشنهاد می‌کند از جمله این که جامعه از ساختار سلسله‌مراتبی به سوی ساختار شبکه‌ای و چند جماعتی حرکت می‌کند؛ سرمایه‌ی اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی نهفته است؛ و جهان از شبکه‌ها تشکیل شده نه گروه‌ها (بابایی، ۱۳۹۰).

۲.۲. نهادگرایی جدید

مدل توسعه سیاسی مورد مطالعه در این پژوهش در چارچوب نظریه نهادگرایی جدید، برگرفته از نظریه‌های جامعه‌شناختی فرانسیس فوکویاما در اثر مشهور وی تحت عنوان "نظم و زوال سیاسی"، آلن تورن در اثر معروفش تحت عنوان "دموکراسی چیست؟"، دارون عجم اوغلو و جیمزای. رابینسون در سه‌گانه‌ی معروفشان تحت عنوان‌های "راه باریک آزادی"؛ "ریشه‌های اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی"؛ و "چرا ملت‌ها شکست می‌خورند"؛ است.

۱.۲.۲. فرانسيس فوکویاما

هر نظم سیاسی بر سه نهاد استوار است: دولت، حاکمیت قانون و ساز و کارهای پاسخگو بودن (فوکویاما، ۱۴۰۰: ۳۳). تعریف حاکمیت قانون در این کتاب مقید به یک برداشت ویژه از قانون نیست و لذا مجموعه‌ای از قواعد رفتاری تعریف می‌شود که از وجود یک اجماع نظر گسترده در جامعه مبنی بر ضرورت محدود شدن قویترین بازیگران سیاسی جامعه، اعم از سلاطین، روسای جمهوری و نخست‌وزیر آن، حکایت دارد اگر حاکمان بتوانند قوانین را به نفع خود تغییر دهند حاکمیت قانون وجود نخواهد داشت، حتی اگر این قوانین برای بقیه افراد جامعه به صورت یکسان اجرا شود. موثر بودن حاکمیت قانون منوط به آن است که یک نهاد قضایی جداگانه و مستقل از قوه مجریه متولی آن باشد. حاکمیت قانون را باید از آن چیزی که گاه «حکومت کردن از طریق قانون» نامیده می‌شود تفکیک کرد. در دومی قانون همان اوامر حاکم است، که محدود کننده خود وی نیست. پاسخگو بودن به معنای واکنش نشان دادن حکومت در قبال مصالح کل جامعه - چیزی که ارسطو خیر عمومی می‌نامد - به جای منافع محدود خود است. امروزه پاسخگو بودن اغلب به صورت پاسخگو بودن رویه‌ای فهمیده می‌شود، یعنی برگزاری منظم انتخابات آزاد و منصفانه چند حزبی، که به شهروندان امکان می‌دهد حاکمان خود را انتخاب کرده و بر آنها نظارت کنند. وقتی از واژه پاسخگو بودن استفاده می‌کنیم اغلب از دموکراسی سخن می‌گوییم که بر حسب رویه‌هایی که حکومت‌ها را در قبال شهروندان مجبور به پاسخگو بودن می‌کند تعریف می‌شود. اما نباید فراموش کرد رویه‌های خوب حتماً به نتایج مناسب و خوب نمی‌انجامند. نهادهای دولتی، قدرت را در دست خود متمرکز کرده و به اجتماع اجازه می‌دهند از این قدرت برای اعمال قانون، حفظ صلح، دفاع از خود در برابر دشمنان و تامین کالاهای عمومی مورد نیاز استفاده کند. در نقطه مقابل، حاکمیت قانون و سازوکارهای پاسخگو بودن، قدرت دولت را محدود می‌کنند تا اطمینان حاصل شود این قدرت صرفاً به شیوه مورد اجماع و مهار شده استفاده می‌شود. معجزه سیاست مدرن آن است که می‌توانیم نظمی سیاسی ایجاد کنیم که هم قوی و کارآمد باشد و هم دایره عمل آن را قانون و انتخاب دموکراتیک محدود سازد. این سه دسته از نهادها ممکن است در جوامع سیاسی مختلف به صورت مستقل از یکدیگر و در ترکیب‌های متنوع وجود داشته باشند (فوکویاما، ۱۴۰۰: ۳۴ و ۳۵).

به اعتقاد من (وجود) نظامی سیاسی که بر موازنه میان دولت، قوانین و پاسخگو بودن مبتنی باشد، یک نیاز عملی و اخلاقی برای همه جوامع است (فوکویاما، ۱۴۰۰: ۴۶).

من معتقدم که در دراز مدت، توسعه این سه نهاد نیاز مشترک همه جوامع بشری می‌شود. خوب یا بد، بدیلی برای دولت مدرن غیر شخصی وجود ندارد، دولتی که بتواند نظم و امنیت را برقرار کرده منبع تهیه کالاهای عمومی لازم باشد. علاوه بر این قانون در اصل به اندازه‌ای که حقوق خدشه‌ناپذیر افراد را مقدس می‌شمارد شأن آنها را به عنوان عاملیت‌های انسانی به رسمیت می‌شناسد و لذا توجه به این حقوق، ارزشی ذاتی دارد. سرانجام آن که مشارکت دموکراتیک مطلوبیتی فراتر از نظارت مفید بر حکومت‌های فاسد، فریبکار یا خودکامه دارد (فوکویاما، ۱۴۰۰: ۴۷).

۲.۲.۲. آلن تورن

اگر دموکراسی را به عنوان آزادی حکومت شونده‌گان برای انتخاب حاکمان‌شان در بازه‌های زمانی معین تعریف کنیم، تعریفی روشن از آن ساز و کارهای نهادی به دست داده‌ایم که بدون آنها وجود دموکراسی متصور نیست. تحلیل ما از دموکراسی باید به مرزهای این تعریف وفادار بماند. هیچ قدرت مردمی‌ای را نمی‌توان دموکراتیک پنداشت، مگر آن که، آن قدرت از طریق انتخاب آزاد، داده و گرفته شود و بخش مهمی از حکومت شونده‌گان حق رای داشته باشند. بایسته دموکراسی وجود فضای سیاسی است که در آن از حقوق شهروندان در برابر دولت قدر قدرت پاسداری شود. این تعریف با همبستگی مستقیم «قدرت» و «مردم» ناهمخوان است: هیچگاه مردم به طور مستقیم حکومت نمی‌کنند و این حاکمانند که از زبان آنها سخن می‌گویند. به همین سان، نمی‌توان دولت را فقط بیانی از احساسات عمومی پنداشت. دولت باید وحدت جمعیت سیاسی را تضمین، آن را نمایندگی، و از آن در برابر جهان بیرونی محافظت کند (تورن، ۱۳۹۹: ۵۷).

دموکراسی زمانی وجود دارد که فاصله میان دولت و زندگی خصوصی به واسطه نهادهای سیاسی و قانون به رسمیت شناخته شود و از آن پاسداری شود. دموکراسی را نمی‌توان به مجموعه‌ای از فرایندها فرو کاست، زیرا افزون بر آن، در برگزیده واسطه‌هایی نهادی است که میان وحدت دولت و کثرت کنشگران اجتماعی میانجی‌گری می‌کند. حقوق بنیادین افراد باید پاس داشته شود. از آن مهم تر، افراد باید حس کنند شهروندان و می‌توانند در برسازی زندگی جمعی مشارکت داشته باشند. بنابراین باید تفکیک جهان دولت از جهان جامعه مدنی حفظ شود، اما به واسطه نمایندگی رهبران سیاسی باید این دورا با هم پیوند داد. در تحلیلی کلان، دموکراسی سه بُعد پایه‌ای دارد که عبارتند از احترام به حقوق بنیادین، شهروندی و نمایندگی رهبران. این سه بعد مکمل یکدیگرند. دموکراسی برآیند «وابستگی متقابل» این سه بعد است (تورن، ۱۳۹۹: ۵۸).

قدرت دولت باید با احترام به حقوق بنیادین بشر محدود شود و این کانونی‌ترین اصل در انگاره دموکراتیک است. نمیتوان از یاد برد که بزرگ‌ترین مخالف دموکراسی در قرن بیستم، نه سلطنت‌های متکی به حق الهی و نه الیگارش زمینداران و فئودالها،

بلکه توتالیتراریسم بود. برای مبارزه با توتالیتراریسم، هیچ چیز به اندازه شناسایی محدودیتهایی بر قدرت دولت کارساز نیست. آنچه نظم سنتی را فرو ریخت مدرنیته بود نه فرمانی تأسیسی یا قراردادی اجتماعی. بدون دموکراسی یا با آن، مدرنیته نظم سنتی را ویران کرد (تورن، ۱۳۹۹: ۷۳).

دموکراسی به معنای جایگزین کردن منطق بالا به پایین با منطق پایین به بالاست؛ به این معنا که اگر تا پیش از آن، جریان حرکت قدرت یا مشروعیت از دولت به نظام سیاسی، و از آنجا به جامعه مدنی بوده است، با آمدن دموکراسی، این جریان حرکت، وارونه شده و از جامعه مدنی به نظام سیاسی و در نهایت به دولت بوده است. این وارونگی، نه خودمختاری دولت را از بین می برد و نه خودمختاری نظام سیاسی را (تورن، ۱۳۹۹: ۸۳).

دموکراسی رژیمی است که در آن اکثریت، حقوق اقلیت را به رسمیت می شناسد، زیرا در جامعه دموکراتیک، اقلیت امروز ممکن است [و حق دارد] به اکثریت فردا بدل شود و در این صورت، اکثریت امروز که اقلیت فرداست، از قوانینی پیروی خواهد کرد که اگر منافع اقلیت را نمایندگی نمی کند، دست کم حقوق اساسی آن را زیر پا نمی گذارد. آگاهی به وجود وابستگی متقابل میان وحدت و کثرت، بنیان روحیه دموکراتیک است و پایایی این روحیه نیز در گروهی نبردی پایان ناپذیر برای همراه کردن این دو عنصر اساسی است که مرزهای میان شان همواره در حال دگرگونی است. دموکراسی موجود انسانی را به شهروند محض فرو نمی کاهد، بلکه آن را به مثابه فردی آزاد می انگارد که به جمعی اقتصادی یا فرهنگی تعلق دارد (تورن، ۱۳۹۹: ۴۰).

۲.۲.۳. دارون عجم اوغلو و جیمزای.رابینسون

از نظرگاه دارون عجم اوغلو و جیمزای.رابینسون تنها گزینه‌ی جامعه در برابر گسترش ظرفیت حکومت این نیست که مجدداً دولت را تحت سیطره کامل خویش بگیرد. به جای این کار جامعه می تواند ظرفیتش و نظارت‌هایش را بر حکومت افزایش دهد. این همان کاری است که مردم بریتانیا و اکثر کشورهای اروپایی در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم به انجام رساندند. در واقع بخش عظیمی از ترقی بشر، به پیشرفت در نقش و ظرفیت حکومت به منظور پاسخگویی به چالش‌های جدید، در عین قدرتمندتر و هوشیارتر شدن جامعه بستگی دارد. در نطفه خفه کردن گسترش ظرفیت حکومت چنین پیشرفت‌هایی را برای آدمیان ناممکن خواهد ساخت. توسعه حوزه عمل حکومت به ویژه در لحظات بحران اقتصادی و اجتماعی بسیار مهم است. در بریتانیا گزارش بوریج واکنش به چنین بحرانی به شمار می رفت. باقی ماندن در دالان، خصوصاً در مواجهه با چالش‌های جدید، امری خودکار نیست. ما دیدیم که وقتی ملکه سرخ به بازی با حاصل جمع صفر تبدیل می شود کشورها چگونه از دالان بیرون می افتند. اما تأثیر ملکه سرخ، در صورتی که به بازی با حاصل جمع صفر نیانجامد، و در عین حال ظرفیت‌ها و ترتیبات نهادی جدیدی را برای تحت مراقبت نگاه داشتن یک حکومت در حال گسترش توسعه دهد، می تواند به عنوان نیروی قدرتمند، برای کمک به حفظ جامعه در دالان عمل کند. برای نشان دادن اینکه ملکه سرخ چگونه این نقش را بر عهده می گیرد و به چه ترتیب بسیج ناشی از آن اکثراً تشکیل ائتلاف‌هایی جدید را ضروری می سازد، شاید نمونه‌ای بهتر از تاسیس دولت رفاه سوئد در میانه رکود بزرگ، وجود نداشته باشد رکود بزرگ در همه‌جای جهان غرب برای حکومت و جامعه بحران به همراه آورد. تنش اقتصادی به تنش سیاسی انجامید، اما تنش‌هایی که در کشورهای مختلف بال و پرش را به صورت متفاوت گشود. در حالی که آلمان در نازیسم غرق می شد و به آهستگی دالان را ترک می گفت و آمریکا در تنگنای محدودیت‌های خاصش برای مقابله با مشکلات دست و پا میزد، سوئد طرحی را در پیش گرفت که مثالی نمادین از گسترش همزمان ظرفیت‌های حکومت و جامعه، توان گرفته از اثر ملکه سرخ به حساب می آید. در سوئد، بین دو جنگ حق رأی عمومی مردان به اجرا درآمد، چشم انداز انتخاباتی رقابتی تری پدیدار شد، و ائتلاف‌های جدیدی شکل گرفت که این کشور را نه فقط داخل دالان نگه داشت، بلکه به نحوی چشم‌گیر بر ظرفیت حکومتش برای تنظیم‌گری روی بازار کار و تأثیرگذاری بر توزیع درآمد افزود (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۴۰۰: ۵۷۱، ۵۷۰).

از زاویه دید چارچوب ما، نکته تعیین کننده نه صرفاً گسترش جدی نقش و ظرفیت حکومت سوئد، بلکه شیوه تحقق آن به همراه تعمیق دموکراسی و مهار اجتماعی است؛ همزمان با افزایش توانایی حکومت، ظرفیت جامعه نیز بالا رفت (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۴۰۰: ۵۷۵).

در مجموع حکومت سوئد با گسترش هم نقش و هم ظرفیت خود نیازهای نو و شرایط بحرانی ناشی از افول اقتصادی را مدیریت کرد. برخلاف ترس‌های هاید این گسترش راه را برای تمامیت‌خواهی نگشود. بلکه برعکس، از آنجا که گسترش حکومت توسط ائتلافی از کارگران، کشاورزان، و صاحبان منافع تجاری به اجرا در می آمد، و به واسطه اثر ملکه سرخ بسیج اجتماعی به منظور پایش حکومت را باعث می شد، دموکراسی سوئدی در این فرایند نه تنها رو به ضعف نگذاشت، بلکه قوت گرفت. اگرچه جزئیات تجربه سوئد یگانه است، خطوط کلی‌اش مشابه آن چیزی است که در چندین کشور دیگر مشاهده می شود. دانمارک و نروژ دولت‌های رفاهی مشابهی ساختند، ولو شیوه تشکیل ائتلاف‌ها در آنها فرق داشت. آلمان نیز پس از جنگ جهانی دوم با اتکاء بر سطوح بالای ظرفیت حکومت و مهارهای اجتماعی، یک دولت رفاه توسعه داد. تجربه آمریکا نیز در زمان فرانکلین روزولت به همین اندازه جالب توجه است (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۴۰۰: ۵۷۶).

دو واکنش کاملاً متضاد را نسبت به رکود بزرگ دیدیم. اولی، فروپاشی جمهوری وایمار در آلمان، نمونه‌ای از ملکه سرخ با حاصل جمع صفر، جایی که هر طرف برای زدن زیرآب دیگری رقابت می کرد و به هیچ وجه حاضر به سازش نبود. دومی واکنش سوئد

را به تصویر می کشید، شامل دخالت و توانمندسازی بیشتر حکومت، در عین حال که جامعه نیز با ظرفیت تر و سازمان یافته تر می شد تا حکومت را مهار کند. این بسیج اجتماعی مورد پشتیبانی ائتلاف جدیدی قرار داشت که از معماری نهادی جدید حمایت می کرد. در راه حل سوئدی سه ستون تعیین کننده به حساب می آمدند. نخستین شان عبارت بود از تشکیل ائتلافی وسیع متشکل از کارگران، کشاورزان، و صاحبان کسب و کار. جنبش کارگری، که توسط اتحادیه های کارگری و SAP نمایندگی می شد، از زیرآب زدن سایر گروه ها خودداری می کرد و می کوشید با آنها به سازش برسد. دومین ستون طیفی از سیاست های اقتصادی، هم کوتاه مدت و هم نهادی را شامل می شد. این سیاست ها دربرگیرنده اقداماتی به منظور تحریک اقتصاد و نیز یک رشته اصلاحات برای باز توزیع درآمد به سمت آسیب دیدگان از بیکاری، از دست دادن درآمد، و فقر بود. آنها در ادامه شروع به نهادینه کردن این اقدامات از طریق توسعه یک الگوی سوسیال دموکرات کردند، که در آن حکومت به میانجی گری در مذاکرات میان کارفرمایان و کارگران می پرداخت تا از آرامش در صنعت اطمینان یابد. آنها همچنین دولت رفاه سخاوتمندی را شکل دادند تا منافع حاصله از شکوفایی اقتصادی به نحوی برابرتر تقسیم شود. سومین ستون سیاسی بود. تعمیق ظرفیت حکومت در بستر نظامی سیاسی انجام می گرفت که در آن مهارهای اجتماعی قدرتمندی هم روی فعالیت های دولت و هم بر روابط میان فرادستان سیاسی و اقتصادی وجود داشت. ماهیت همگانی برنامه ها، که به تقویت ائتلاف سوسیال دموکرات می انجامید، توسعه سریع ظرفیت حکومت در فرآیند مدیریت دولت رفاه و دخالت مستقیم اتحادیه های کارگری در اجرای برنامه های کلیدی به این ابزارهای کنترلی یاری می رساند. اولین درس از تجربه سوئد واضح است: سازش ها را مهندسی کنید و راه هایی برای شکل دادن به ائتلاف گسترده بیابید، ائتلافی که به پشتیبانی از لویاتان مقید و سیاست های جدید پردازد. البته همانطور که در مورد آلمان دیدیم زمانی که فضای سیاست قطبی باشد چنین کاری بسیار دشوار خواهد بود. ائتلاف های تازه، غالباً به اندیشه ها، چشم اندازها، و ابداعات نهادی جدید نیاز پیدا می کنند (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۴۰۰: ۵۹۲، ۵۹۰). درس دیگر از تجربه سوئد تایید شده با تجارب دانمارک، نروژ، و انگلستان سوق دادن برنامه های رفاهی در جهتی همگانی تر است، تا جامعه در کل تشویق به استقبال از آنها و درگیر شدن در نظارت ها بر روی شان شود (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۴۰۰: ۵۹۴).

اخطار یووال نوح هراری مبنی بر ظهور دیکتاتوری دیجیتال در افق زندگی اکثر انسان ها شاید بدترین فال را می زد، فالی که نظام «اعتبار سنجی اجتماعی» چین و برنامه های تهاجمی NSA برای مراقبت اطلاعاتی بر اعتبار آن می افزایند. ولی هیچ دلیلی نیست که همه یا اکثر کشورها به صورت اجتناب ناپذیر به سمت یک نظام سیاسی و اقتصادی مشابه حرکت کنند. این توازن حاکم میان حکومت و جامعه خواهد بود که مسیر آنها را شکل می دهد. راه حل دانمارک برای تهدیدات مشابه امنیتی بر این نکته تاکید می گذارد. وقتی در مقابل تهدیدات امنیتی، قدرت حکومت به صورت نظارت ناپذیر گسترش می یابد احتمال وقوع سوء استفاده ها بسیار فزاینده تر است و خطر دیکتاتوری دیجیتال بیشتر است. زمانی که همان اقدامات در پیش چشم همگان انجام می گیرد و جامعه می تواند بر عدم سوء استفاده از آنها نظارت کند توازن قدرت، که شالوده دالان است مورد باز تایید قرار می گیرد. این باز تایید استفاده از فناوری های جدید به شیوه ای بسیار سازگارتر با اصول، لویاتان مقید را تشویق می کند، حتی اگر این فناوری ها حریم شخصی را به خطر بیندازند. نحوه استفاده از فناوری های جدید و اختلال یا عدم اختلالی که در توازن قدرت ایجاد می کنند از پیش مقدر نیست. این انتخاب ماست. تنها خلق یک لویاتان مقید نیست که دشوار به حساب می آید. زندگی با آن نیز مقدار زیادی کار نفس گیر می طلبد. ما چند شیوه خاص مطرح کردیم که از طریق شان جامعه می تواند در حضور یک لویاتان در حال رشد تقویت شود. تعیین کننده ترین اندیشه، بهره گیری حداکثری از بسیج جامعه است. ولی در عمل چگونه به این هدف خواهید رسید؟ آیا مسیرهای تشکیلاتی وجود دارد که به جامعه در گسترش ظرفیت هایش و توانایی مهار حکومت و فرادستان یاری برساند؟ ما معتقدیم آری. شالوده قرار دادن حفاظت از حقوق افراد علیه تمامی تهدیدات، از جمله تهدید از طرف حکومت، فرادستان، و دیگر شهروندان. حقوق به شکلی تنگاتنگ با تعریف ما از آزادی به عنوان حفاظت از شخص در مقابل ترس، خشونت، و سیطره پیوند پیدا می کند. اگرچه ترس و خشونت عامل های اصلی فرار افراد از وطن هایشان بوده اند، سیطره - یعنی ناتوانی اشخاص برای انتخاب و پی گیری زندگی های خود بر اساس ارزش های خویش - نیز غالباً به همان اندازه محدودکننده است. حقوق در اصل عبارت است از شیوه هایی که جامعه توسط آنها به توانایی تمامی اشخاص برای انجام چنین گزینش هایی در زندگی هایشان مشروعیت می بخشد. سابقه تاکید بر حقوق لاقل تا جان لاک قدمت دارد (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۴۰۰: ۵۹۹، ۶۰۳).

به رسمیت شناخته شدن همگانی حقوق است که شالوده را برای ائتلاف های گسترده به وجود می آورد. لذا می شود گفت تا زمانی که جامعه بتواند مجموعه ای وسیع از حقوق معقول را هرچه همگانی تر سازد، حال و روزش از طریق تشکل یافتن و هم قامت شدن با قدرت در حال گسترش حکومت، بهتر خواهد بود. با این وجود زندگی با لویاتان مقید همیشه یک مأموریت ناتمام است. بر اساس استدلال ما باید کلید ثبات بخشیدن به این وضعیت و پایین آوردن احتمال خروج از دالان را در خلق و باز خلق توازن قدرت میان حکومت و جامعه، میان کسانی که قدرتمندند و کسانی که چنین نیستند، جست. اثر ملکه سرخ برای یاری رساندن به ما تعبیه شده است، اما در نهایت، قدرت جامعه از سازماندهی و بسیج مردم نشأت می گیرد. پیشرفت بشر به گسترش ظرفیت حکومت برای پاسخگویی به چالش های جدید و مبارزه با تمامی سیطره ها، چه کهنه و چه نو، وابسته است، اما چنین اتفاقی نخواهد افتاد مگر اینکه جامعه تقاضایش کند و در دفاع از حقوق همگان بسیج شود. بدیهی است که چنین کاری آسان نیست، چه رسد به اینکه خود به خود محقق شود، اما این رویداد می تواند رخ دهد و رخ می دهد (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۴۰۰: ۶۰۶، ۶۰۴).

۴. بررسی وضعیت جهان و ایران در «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات»*

۴.۱. نگاهی کوتاه به توسعه اینترنت در دنیا

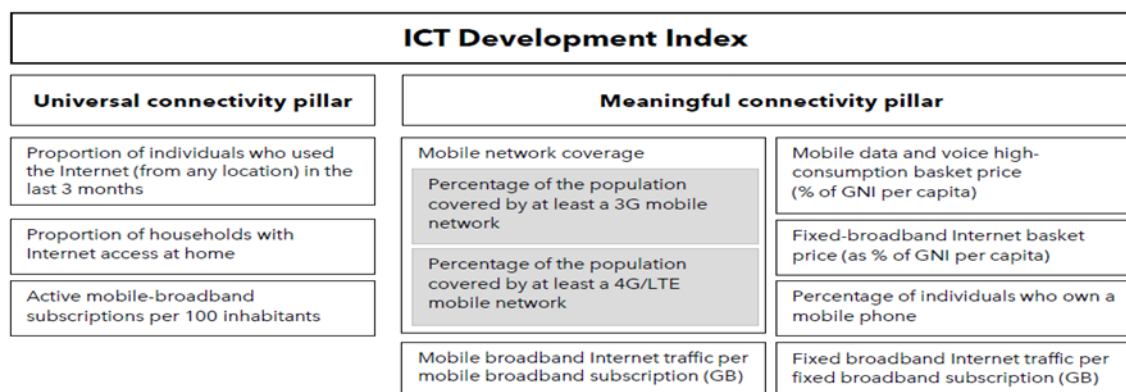
آمارهای متعددی از میزان دسترسی مردم جهان به اینترنت وجود دارد که هیچکدام تفاوت قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر ندارند و همگی نشانگر افزایش چشم‌گیر میزان دسترسی مردم به اینترنت است.

«شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» ابزاری برای سنجش سطح توسعه‌ی زیرساخت‌ها و خدمات ارتباطی در یک کشور است که بر اساس مجموعه‌ای از شاخص‌های فرعی در دو ستون اصلی «ارتباط فراگیر»^۱ و «ارتباط با کیفیت»^۲، سنجیده می‌شود. در این پژوهش این شاخص‌ها مطابق با آخرین گزارش اتحادیه بین‌المللی مخابرات در سال ۲۰۲۴ به شرح زیر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند:

پس از افتتاح روش‌شناسی جدید در سنجش «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» ۲۰۲۳، «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» ۲۰۲۴ نتایج قطعی و پایداری را در امتیازات کلی و توزیع آنها در مناطق و گروه‌های درآمدی نشان داد. میانگین نمره جهانی ۷۴/۸ در مقیاس صفر تا ۱۰۰ نشان دهنده پیشرفت قابل توجهی به سمت ارتباط فراگیر و باکیفیت است. با این حال، بسیاری از اقتصادها هنوز در مراحل اولیه توسعه دیجیتال هستند و امتیازات آن‌ها به ۲۱/۳ می‌رسد. ارتباط همچنان با توسعه مرتبط است و شکاف عمیق بین کشورهای غنی و فقیر را برجسته می‌کند؛ اما تغییرات قابل توجه در درون مناطق، هر مفهومی از جبر منطقه‌ای را رد می‌کند.

The ICT Development Index 2024

Figure A1.2: Structure of the ICT Development Index



همان‌طور که در شکل ۱ ملاحظه می‌کنید امتیاز سراسری «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» و دو ستون اصلی آن، از صفر تا ۱۰۰ متغیر است. امتیاز ۱۰۰ مربوط به وضعیتی است که آن اقتصاد یا گروه در هر شاخص جزء، به ارزش هدف تعیین‌شده رسیده است. نمره صفر مربوط به وضعیت فرضی اقتصاد بدون اینترنت، بدون پوشش پهنای باند تلفن همراه، بدون اشتراک پهنای باند تلفن همراه، ترافیک داده صفر و غیره است.

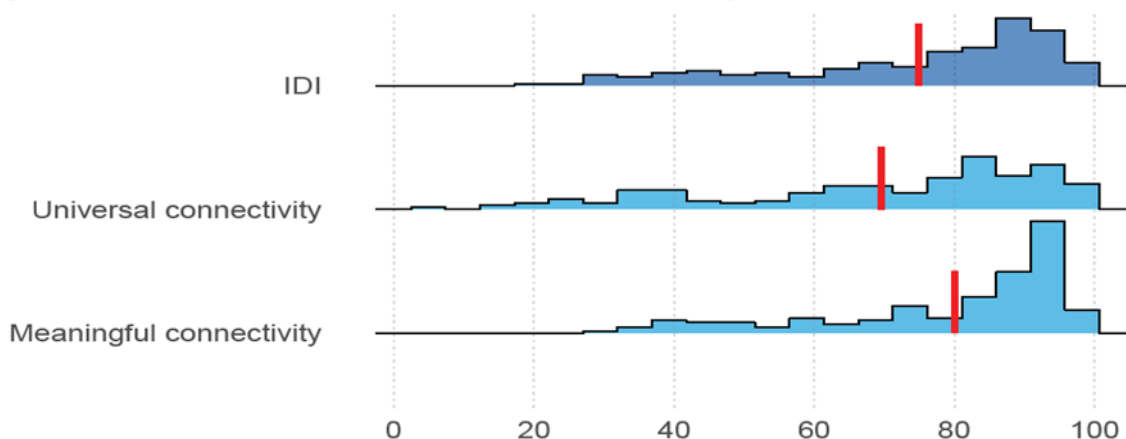
شکل ۱ توزیع امتیازات کشوری را برای اجزای اصلی «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» نشان می‌دهد. میانگین امتیاز «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» ۲۰۲۴ برای ۱۷۰ اقتصاد ۷۴٫۸ است. کمترین امتیاز ۲٫۳ و بالاترین آن ۱۰۰٫۰ است. چهار و دو اقتصاد دارای امتیاز «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» بین ۹۰ تا ۱۰۰ هستند. چهار و نه اقتصاد دیگر دارای امتیاز بین ۸۰ تا ۹۰ هستند. در انتهای دیگر مقیاس، بیست و نه اقتصاد زیر ۵۰ و نه اقتصاد دیگر دارای امتیاز بین ۵۰ تا ۶۰ هستند.

* ICT Development Index (IDI)
Universal Connectivity Pillar^۱
Meaningful Connectivity Pillar^۲

این نتایج نشان می دهد که بسیاری از کشورهای جهان در مسیر خود به سمت «ارتباط فراگیر و باکیفیت» به خوبی پیشرفت کرده اند، به طوری که بیش از نیمی از اقتصادها از مرز ۸۰ امتیاز (میانگین ۸۲,۰) عبور کرده اند. با این حال، نیمی از اقتصادهای با امتیاز پایین در یک محدوده ۶۰ امتیازی (از ۲۱,۳ تا ۸۲,۰) با چندین امتیاز کمتر از ۲۰ پراکنده شده اند.

The ICT Development Index 2024

Figure 1: Distribution of scores for IDI 2024 and the pillars



۴.۲. توسعه اینترنت و بررسی وضعیت ایران در «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» از نگاه «اتحادیه بین المللی مخابرات»

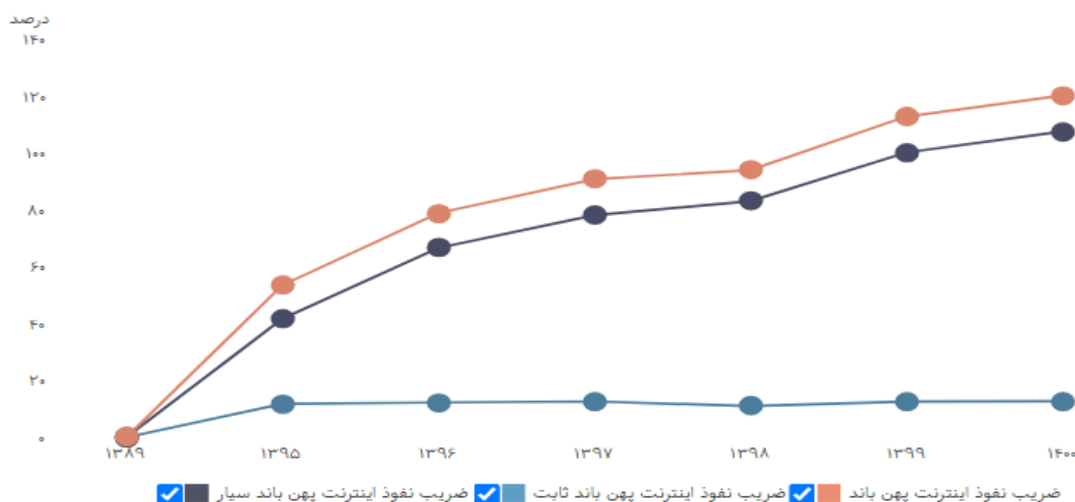
ورود اینترنت به ایران برای نخستین بار به سال ۱۳۶۸ بازمی گردد. البته آن زمان به آن اینترنت^۱ گفته می شد. سیاوش شهشانی، استاد بازنشسته دانشگاه صنعتی شریف و قائم مقام سابق مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات، اولین تجربه ایران در ارتباط با شبکه جهانی را مربوط به پاییز سال ۱۳۷۱ می داند. در آن زمان دانشگاه لینس اتریش از طریق بنیاد شبکه پژوهشی اروپا EARN به مرکز تحقیقاتی فیزیک نظری و ریاضیات متصل شد. دی ماه همان سال برای اولین بار داده هایی از طریق پروتکل NJE بین ایران و اتریش رد و بدل شد.

اواخر سال ۷۲ بود که پروتکل TCP/IP در ایران به راه افتاد. در آن زمان شبکه اینترنت ما زیر شبکه ای از دانشگاه وین بود و در انتهای آدرس های اینترنتی نشانی دانشگاه وین یعنی univie.at به چشم می خورد. ظرفیت اتصال کل کشور به اینترنت نیز 9.8 کیلوبیت بر ثانیه بود. در شرایطی که هنوز سرویس های وب و فایل های گرافیکی در اینترنت ارائه نمی شدند این سرعت برای تبادل ایمیل کافی به نظر می آمد. بالاخره در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۷۳ دامنه دات آی آر هم به ثبت می رسد. دسترسی مردم ایران به اینترنت در ۲۰ سال اخیر و به ویژه دهه ۹۰ خورشیدی با رشدی قابل توجهی همراه بوده. سیاستگذاران و مجریان قانون نیز غالباً به دنبال توسعه زیرساخت های اینترنت در کشور بوده اند.

طبق اعلام سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی کشور ضریب نفوذ اینترنت پهن باند در کشور از 7.63 درصد در سال ۹۲ به ۱۲۰,۲۴ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. همچنین میزان دسترسی مردم به اینترنت پهن باند سیار نیز رشدی چشم گیر داشته است. این رقم از صفر درصد در سال ۹۲ به ۱۰۷,۵۵ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

تعداد اشتراک پهن باند ثابت از ۵۸ هزار و ۳۱۰ اشتراک در سال ۹۲ به ۱۰ میلیون و ۶۶۱ هزار و ۲۴۸ اشتراک در سال ۱۴۰۰ و در حوزه اینترنت پهن باند سیار هم از اشتراک صفر در سال ۹۲ به ۹۰ میلیون و ۳۵۴ هزار و ۴ اشتراک در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

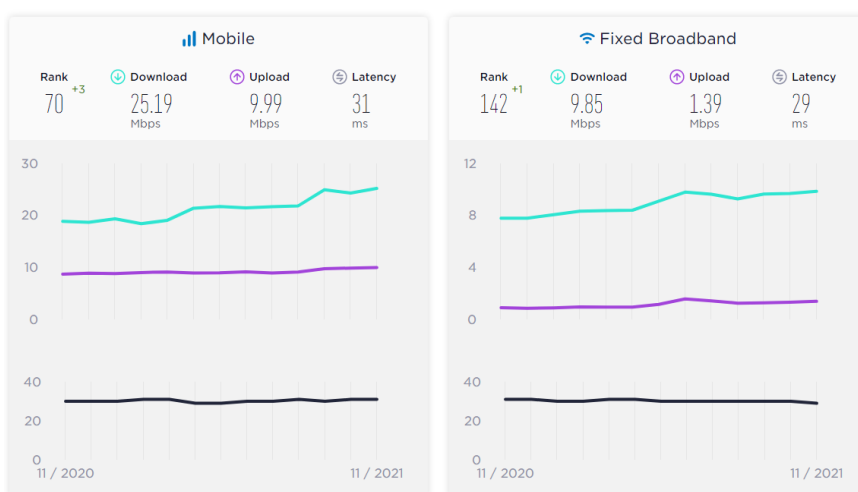
سال



یشتیبانی (c) (infodash@cra.ir)

آخرین تاریخ به روز رسانی: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳

مطابق نتایج آخرین ردیابی سرعت اینترنت در نوامبر ۲۰۲۱ در ایران توسط شاخص جهانی Speedtest، میانگین سرعت دانلود اینترنت پهن باند سیار ۲۵,۱۹ مگابیت بر ثانیه و میانگین سرعت دانلود اینترنت پهن باند ثابت ۹,۸۵ مگابیت بر ثانیه بوده است.

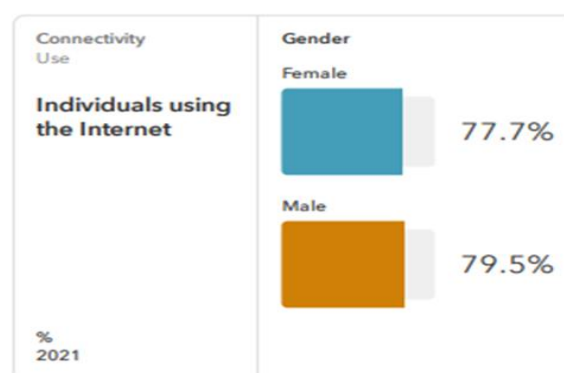
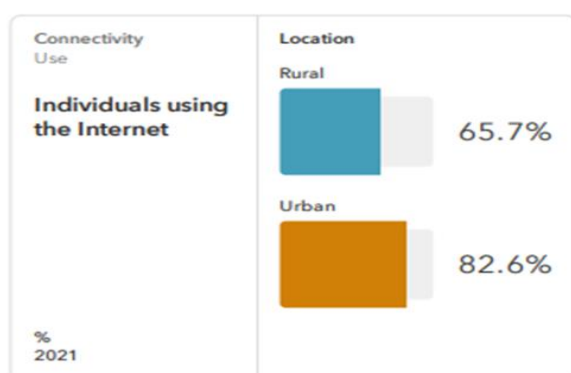
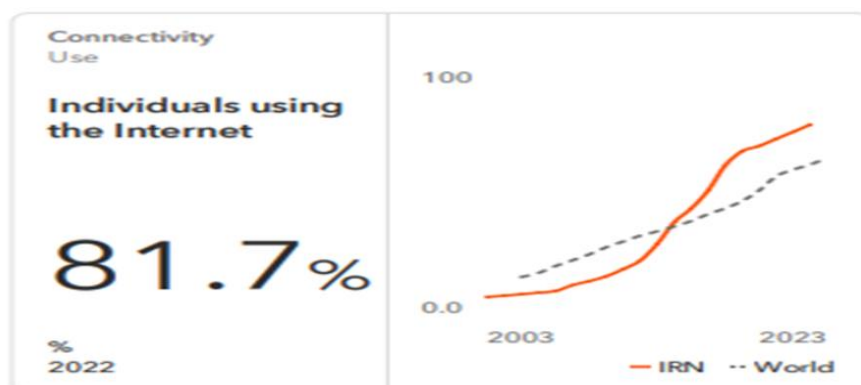


Iran Median Speeds
November 2021

و اما در آخرین گزارشی که اتحادیه بین‌المللی مخابرات در قالب «شاخص توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات» ۲۰۲۴ منتشر کرد وضعیت ایران به گونه‌ی زیر تشریح شده‌است:

۴.۲.۱. ارتباط فراگیر^۱

این بخش بر دسترسی افراد و خانوارها به اینترنت تمرکز دارد و شامل سه شاخص فرعی است:
الف. نسبت افرادی که از اینترنت (از هر مکانی) در سه ماه گذشته استفاده کرده‌اند.



این شاخص بیانگر نرخ نفوذ اینترنت در میان جمعیت کشور است. به عبارت دیگر این شاخص نشان‌دهنده درصد کل جمعیتی است که در سه ماه گذشته به هر شکلی، چه از طریق شبکه تلفن ثابت و چه از طریق شبکه تلفن همراه در هر مکانی از اینترنت استفاده کرده‌اند.

ب. نسبت خانوارهایی که در خانه به اینترنت دسترسی دارند. اتحادیه جهانی مخابرات در آخرین گزارش شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات، نسبت خانوارهایی که در جمهوری اسلامی ایران به اینترنت دسترسی دارند را در سال ۲۰۲۱، هفتادونه و نیم (۷۹,۵) درصد به ثبت رسانده‌است.

قابلیت اتصال



پ. اشتراک فعال پهن باند سیار در هر ۱۰۰ نفر

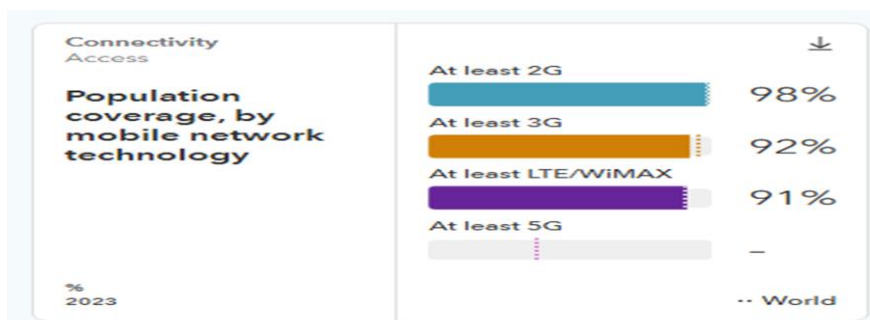


۴.۲.۲. ارتباط با کیفیت^۱

الف. پوشش شبکه تلفن همراه

درصد جمعیت تحت پوشش حداقل یک شبکه همراه اول 3G

درصد جمعیت تحت پوشش حداقل یک شبکه همراه اول 4G/LTE



¹ meaningful connectivity

ب. ترافیک اینترنت پهن باند سیار در هر اشتراک پهن باند تلفن همراه (گیگابایت)



پ. قیمت سبد کم مصرف داده تلفن همراه و صدا (درصد از درآمد ناخالص ملی سرانه).



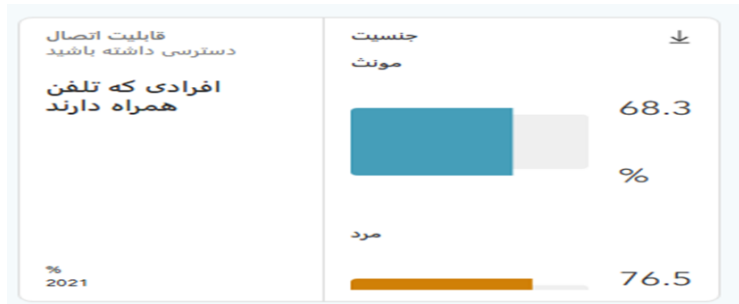
ت. قیمت سبد کم مصرف تلفن همراه فقط داده (درصد از درآمد ناخالص ملی سرانه).



ث. قیمت سبد اینترنت پهن باند ثابت (به عنوان درصدی از درآمد ناخالص ملی سرانه)



ج. درصد افرادی که گوشی تلفن همراه دارند.



ج. ترافیک اینترنت پهن باند ثابت در هر اشتراک پهن باند ثابت (گیگابایت)



۵. تحدید قدرتهای حکومت در ایران در بستر فناوریهای نوین اطلاعات و ارتباطات

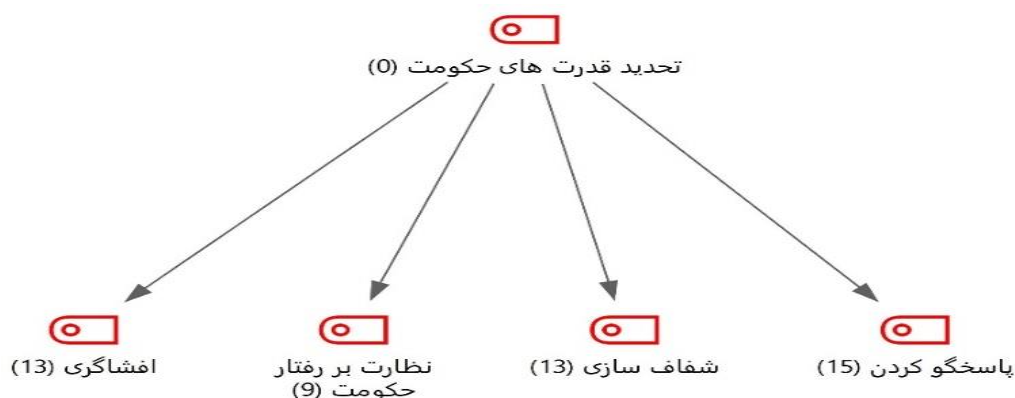
از منظر نهادگرایی جدید هر کشوری برای ورود به دالان باریک آزادی و یا حفظ خود در داخل آن، باید از ویژگی توازن قدرت میان جامعه و حکومت به صورت مداوم برخوردار باشد. یکی از شاخص‌های مهم حفظ این توازن، تحدید قدرتهای حکومت در ابعاد مختلف توسط نهاد جامعه است. تحدید قدرتهای حکومت یکی از شاخص‌های اساسی توسعه سیاسی در نگاه نهادگرایان جدید است که مؤلفه‌های آن از مهمترین حوزه‌های متأثر از بستر فناوریهای نوین اطلاعات و ارتباطات به ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند. نهاد جامعه در کنار توسعه نظارت‌پذیر حوزه عمل حکومت، برای حفظ نهاد حاکمیت قانون از طریق فناوریهای نوین اطلاعات و ارتباطات به ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی، به طور دائم به پایش و تحدید قدرتهای حکومت می‌پردازد. در این مقاله موضوع تحدید قدرتهای حکومت در بیست سال گذشته در ایران در بستر اینترنت مورد تحقیق و تحلیل قرار گرفته است. در این مطالعه با هجده نفر از خبرگان صاحب نظر در این حوزه با تحصیلات دکتری تخصصی علوم سیاسی، از دانشگاه‌های مختلف کشور به شرح جدول زیر مصاحبه عمیق اکتشافی انجام شده است. این مصاحبه‌ها ابتدا تبدیل به متن و سپس در نرم‌افزار «مکس کیودی‌ای» بارگذاری و کدگذاری شدند و به شکل‌های مختلف، مورد واکاوی و تحلیل کیفی قرار گرفتند.

مصاحبه‌شوندگان عمیق اکتشافی					
ردیف	نام و نام خانوادگی	میزان تحصیلات	رشته تحصیلی	مرتبۀ علمی	استان
۱	حمید اسماعیلی	دکترای تخصصی	مدیریت دولتی	استادیار بازنشسته پایه ۳۰	تهران
۲	فرزاد پورسعید	دکترای تخصصی	علوم سیاسی	استادیار پژوهشکده مطالعات راهبردی	تهران
۳	مجید توسلی	دکترای تخصصی	علوم سیاسی	دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات	تهران
۴	محمد رهبری	دکترای تخصصی	علوم سیاسی	غیر هیئت علمی	تهران
۵	علی شیرخانی	دکترای تخصصی	علوم سیاسی	استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم	قم
۶	ابوالفضل دلاوری	دکترای تخصصی	علوم سیاسی	دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی	تهران

مصاحبه‌شوندگان عمیق اکتشافی					
ردیف	نام و نام خانوادگی	میزان تحصیلات	رشته تحصیلی	مرتبه علمی	استان
۷	علی اصغر داوودی	دکترای تخصصی	علوم سیاسی	استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خراسان رضوی	خراسان رضوی
۸	حامد عامری	دکترای تخصصی	علوم سیاسی	استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز	اصفهان
۹	محمدجواد غلامرضا کاشی	دکترای تخصصی	علوم سیاسی	دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی	تهران
۱۰	خسرو قبادی	دکترای تخصصی	جامعه‌شناسی سیاسی	استادیار پژوهشگاه علوم انسانی	تهران
۱۱	مجتبی قلی‌پور	دکترای تخصصی	علوم سیاسی	استادیار پژوهشگاه مطالعات راهبردی	تهران
۱۲	مجید گل‌پرور	دکترای تخصصی	علوم سیاسی	استادیار دانشگاه آزاد اسلامی	اصفهان
۱۳	شریف لکزایی	دکترای تخصصی	علوم سیاسی	دانشیار گروه فلسفه سیاسی	تهران
۱۴	محمد رضا مرادی طادی	دکترای تخصصی	علوم سیاسی	غیر هیئت علمی	تهران
۱۵	مجتبی مقصودی	دکترای تخصصی	علوم سیاسی	دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی	تهران
۱۶	حسین معین آبادی	دکترای تخصصی	علوم سیاسی	دانشیار دانشگاه شهید باهنر	کرمان
۱۷	محمد منصورنژاد	دکترای تخصصی	علوم سیاسی	غیر هیئت علمی	قم
۱۸	ولی‌الله وحدانی‌نیا	دکترای تخصصی	سیاستگذاری عمومی	غیر هیئت علمی	تهران

نقش اصلی این شاخص که متشکل از چهار مؤلفه‌ی: «پاسخگو کردن»؛ «شفاف‌سازی»؛ «نظارت بر رفتار حکومت»؛ و «افشاگری»؛ است در واقع حفظ نهاد حاکمیت قانون است که خود از زیرشاخص‌های بین‌المللی و استاندارد زیر تشکیل شده‌است:

اجرای مقررات؛ برقراری نظم و امنیت؛ رفاه در ابعاد گوناگون؛ عدالت مدنی؛ عدالت کیفری؛ دولت باز؛ عدم فساد؛ وزن مؤلفه‌ها یا زیر شاخص‌های این شاخص که در نتیجه تحلیل به دست آمده است به قرار زیر است:
 «پاسخگو کردن» با وزن پانزده؛ «شفاف‌سازی» با وزن سیزده؛ «نظارت بر رفتار حکومت» با وزن نه؛ و «افشاگری» با وزن سیزده؛



مجموع وزنی مؤلفه‌ها در این شاخص پنجاه است که یکی از شاخص‌های اساسی حوزه قدرت جامعه، نسبت به حکومت محسوب می‌شود و توزیع وزنی آن‌ها در ماتریس زیر درج شده‌است.

Code System	11 کد	12 کد	13 کد	14 کد	15 کد	16 کد	17 کد	18 کد	19 کد	SUM
تحديد قدرت های حکومت										0
افشاگری					1	3	3	1		8
نظارت بر رفتار حکومت	1				1	1		1		4
شفاف سازی	1		2					1		4
پاسخگو کردن				1	2	2	1		1	7
Σ SUM	2	0	2	1	4	6	4	3	1	23

Code System	20 کد	21 کد	22 کد	23 کد	24 کد	25 کد	26 کد	27 کد	28 کد	SUM
تحديد قدرت های حکومت										0
افشاگری		2	1		1	1				5
نظارت بر رفتار حکومت		2		1			1		1	5
شفاف سازی	1	3				1	2	1	1	9
پاسخگو کردن	2	1	1		1	1	1		1	8
Σ SUM	3	8	2	1	2	3	4	1	3	27

بنابراین توزیع وزنی شاخص‌ها در ماتریس بالاگویی نقش بیشتر زیر شاخص «پاسخگو کردن» و پس از آن نقش معنی‌دار دیگر زیر شاخص‌ها در تعیین قدرت‌های حکومت در مؤلفه‌های حاکمیت قانون است.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد در بیست و سه سال گذشته به ویژه دهه ۱۳۹۰ به بعد، در نتیجه توسعه فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، سطح دسترسی آسان و ارزان مردم در سراسر دنیا به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی با سرعت و شتاب زیاد افزایش پیدا کرده، محدوده فعالیت‌های سیاسی شهروندان را گسترش داده، پیوندی ناگسستنی با رفتارهای سیاسی افراد برقرار کرده و به گونه‌ای پیچیده ماهیت سیاست و توسعه سیاسی را تغییر داده‌است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند در نتیجه این تحول بنیادین و از منظر نهادگرایی جدید، ساز و کارهای نهاد دموکراسی در تعیین قدرت‌های حکومت که متشکل از چهار مؤلفه «پاسخگو کردن»، «شفاف‌سازی»، «نظارت بر رفتار حکومت» و «افشاگری» است، با هدف قرار دادن شاخص حاکمیت قانون در حوزه عملکرد حکومت که متشکل از زیر شاخص‌های: اجرای مقررات؛ برقراری نظم و امنیت؛ رفاه در ابعاد گوناگون؛ عدالت مدنی؛ عدالت کیفری؛ دولت باز؛ و عدم فساد؛ است، در بستر فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات به ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی به طور چشمگیری تقویت شده‌اند.

فهرست منابع فارسی:

- عجم اوغلو، دارون و جیمزای رابینسون (۱۴۰۰)، راه باریک آزادی، ترجمه سید علیرضا بهشتی شیرازی و جعفر خیرخواهان، تهران: انتشارات روزنه.
- عجم اوغلو، دارون و جیمزای رابینسون (۱۳۹۳)، چرا ملت‌ها شکست می‌خورند، ترجمه محسن میردامادی و محمد حسین نعیمی‌پور، تهران: انتشارات روزنه.
- عجم اوغلو، دارون و جیمزای رابینسون (۱۴۰۱)، ریشه‌های اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی، ترجمه جعفر خیرخواهان و علی سرزعی، تهران: انتشارات کویر.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات ظهور جامعه‌ی شبکه‌ای، ترجمه‌ی احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- کاستلز، مانوئل (۱۴۰۲)، قدرت ارتباطات، ترجمه‌ی حسین بصیریان جهرمی، تهران: علمی فرهنگی.
- ون دایک، جان (۲۰۱۲)، جامعه‌ی شبکه‌ای، ایالات متحده آمریکا: سیج.
- مارگتس، هلن و [دیگران] (۱۳۹۹)، آشفتگی سیاسی، تهران: انتشارات کویر.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۴۰۰)، نظم و زوال سیاسی، تهران: انتشارات روزنه.
- خانیکی، هادی (۱۴۰۱)، اندیشه پیشرفت و تحولات جدید جامعه ایران، تهران: نشر نی.
- بشپریه، حسین (۱۳۹۴)، عقل در سیاست، تهران: نگاه معاصر.

- ۱۱) گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ۱۲) بابایی، محمود (۱۳۹۰)، فضای سایبر و الگوهای گفتمانی: نقش ساز و کارهای اینترنت در شکل‌گیری الگوهای تعامل گفتمانی فضای سایبر ایران، پایان‌نامه دکترا، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۳) ازکیا، مصطفی و غلام‌رضا غفاری (۱۳۹۷)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: شرکت انتشارات کیهان.
- ۱۴) رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵)، مشارکت اجتماعی، وسیله یا هدف توسعه، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۰۹.
- ۱۵) سام آرام، عزت‌الله (۱۳۷۸)، نیاز صدا و سیما به تحقیق اسنادی، پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۱۹.
- ۱۶) سیدامامی، کاووس و عبدالمطلب عبدالله (۱۳۸۸)، عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، مطالعه‌ی موردی شهر تهران، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۴، شماره ۴.
- ۱۷) عبدالهیان، حمید و احسن حقگوئی (۱۳۸۸)، تبیین رابطه کاربری اینترنت و مشارکت سیاسی در ایران، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۴.
- ۱۸) راش، مایکل (۱۳۹۳)، جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- ۱۹) مسعودی نیا، حسین و دیگران (۱۳۹۰)، بررسی رابطه‌ی استفاده از اینترنت با رویکرد و مشارکت سیاسی (مطالعه موردی شهر اصفهان)، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دوره ۱۴، شماره ۲.
- ۲۰) واینر، مایرون و ساموئل هانتینگتون (۱۳۷۹)، درک توسعه سیاسی، ترجمه‌ی پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۱) مهدی زاده، محمد (۱۳۹۱)، نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی، تهران: همشهری.
- ۲۲) ویندال، سون، بنو سینگیزر و جین اولسون (۱۳۷۶)، کاربرد نظریه‌های ارتباطات، ترجمه‌ی علیرضا دهقان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای.
- ۲۳) سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۲)، عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- ۲۴) ردادی، محسن و اصغر افتخاری (۱۳۹۰)، نظریه اعتماد سیاسی با تأکید بر گفتمان اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق.
- ۲۵) قلی‌پور، مجتبی (۱۴۰۲)، اینترنت و رفتار سیاسی در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

فهرست منابع انگلیسی:

- Wallace, R. A. & Wolf, A. (1995) Contemporary Sociological Theory: Continuing the Classical Tradition, fourth edition, Englewood Cliffs, New Jersey, Prentice Hall
- Arnopoulos, Paris., "Sociopolitics: Political Development in Postmodern Societies," Canadian Book Review Annual Online, accessed July 26, 2024, <https://cbra.library.utoronto.ca/items/show/1909>.
- LaMond Tullis, F. (1973). Politics and Social Change in Third World Countries. Wiley.
- 115- Harvey, D. 1989, The Condition of Post modernity. OXFORD, Blackwell.
- Lipset, S. M. (1959), Some Social Requisite of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy, The American Political Science Review, 53(1): 69-105
- Sreberny, Annabelle & Khiabany, Gholam. (2010), Blogistan: The Internet and Politics in Iran. I.B.Tauris.
- B.Guy Peters.(2011), INSTITUIONAL Theory in POLITICAL SCIENCE 3RD EDITION: THE NEW INSTITUTIONALISM

- 8) Kuhn, T. S. (1970). *Criticism and the growth of knowledge: Volume 4: Proceedings of the International Colloquium in the Philosophy of Science, London, 1965 (Vol. 4)*. Cambridge University Press.
- 9) Alharahsheh, H. H., & Pius, A. (2020). A review of key paradigms: Positivism VS interpretivism. *Global Academic Journal of Humanities and Social Sciences*, 2 (3), 39-43.
- 10) Myers, M. D. (2008). *Qualitative Research in Business & Management*. SAGE Publications.
- 11) INSTITUTIONAL Theory in POLITICAL SCIENCE 3RD EDITION: THE NEW INSTITUTIONALISM
- 12) Hetherington M. J (1998), "The Political Relevance of Political Trust"; *American Political Science Review*, Vol.92, No.4: 791-808.
- 13) Gabriel, O. W. (1995), "Political Efficacy and Trust", *The impact of values*, 357-389.
- 14) Bretzer, Y. N. (2004), "How Can Institutions Better Explain Political Trust than Social Capital Does?"; University of Gothenburg, Sweden.
- 15) Petit, Christine (2004) *Social Movement Networks in Internet Discourse* (Presented at the annual meetings of the American Sociological Association, San Francisco, August 17, 2004). <http://irows.ucr.edu/papers/irows25/.htm>. (accessed Jan. 10, 2011).
- 16) Zavazava, Cosmas Luckyson (2024), *The ICT Development Index 2024* <https://www.itu.int/itu-d/reports/statistics/idi2024/>.